

ORIGINAL ARTICLE

امیر سید فتح الله شیرازی، پزشک، مورخ و سیاستمدار دربار گورکانیان هند

Amir Seyyed Fathollah Shirazi, a physician, historian and politician in Indian Mughal Empire (Gürkân) court

Seyyed Alireza Golshani^{1,2}, Narges Kavenjoun³

- 1- Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
- 2- Research Office for the History of Persian Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
- 3- Department of History, Faculty of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence: Seyyed Alireza Golshani; Research Office for the History of Persian Medicine, North Ghaani Street, Shiraz, Iran; Golshani_22@yahoo.com

Abstract

Amir Seyyed Fathollah Shirazi, a physician, historian and politician of Indian Mughal Empire court, was one of the scholars of Shiraz. Initially, he served as a teacher at Mansurieh School in Shiraz. He worked for Imamgholi Mirza, the brother of King Ismaeil II, from Safavid dynasty. After killing Imamgholi Mirza, by the Order of the King, he went to India following the invitation of the Muslim rulers of India. He later became the Prime Minister of Mughal Empire. He wrote many medical books. Also, he had an important role in transmitting Iranian knowledge and culture to India.

Key words: Amir Seyyed Fathollah Shirazi, Mughal Empire, India, Safavid dynasty, Delhi, Dar al Elm of Shiraz doctrine

Received: 12 Mar 2012; Accepted: 29 May 2012; Online published: 18 Jul 2012

Research on History of Medicine/ 2012 Aug; 1(3): 81-6.

سید علی رضا گلشنی^{۱،۲}
نرگس کونجون^۳

- ۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
 - ۲- دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
 - ۳- گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
- نویسنده مسئول: سید علی رضا گلشنی، ایران، شیراز، خیابان قالی شمالی، دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران؛
Golshani_22@yahoo.com

خلاصه مقاله

امیر سید فتح الله شیرازی، پزشک، مورخ و سیاستمدار دربار گورکانیان هند از علما و دانشمندان بنام خطه شیراز بوده است. وی در آغاز استاد مدرسه منصوریه شیراز بوده و مدتی نیز در خدمت امامقلی میرزا برادر شاه اسماعیل دوم صفوی بوده است. وی پس از قتل امامقلی میرزا با دعوت حکام ادب دوست مسلمان هند وارد این خطه شده و با طی مدارج عالی، حتی به مقام وزارت دربار گورکانیان هند نیز رسیده است. از این دانشمند شیرازی تعداد زیادی مولفات در زمینه پزشکی نیز به جای مانده است. وی در تاثیر و انتقال دانش و فرهنگ ایران زمین به هندوستان نقش بسزایی داشته است.

کلمات کلیدی: امیر سید فتح الله شیرازی، گورکانیان، هند، صفویه، دهلی، مکتب دارالعلم شیراز

- 1- Kakaei, 1998: 23.
- 2- Suboot, 2003: 7.
- 3- Bahar, 2002: 3/250.
- 4- Badaeny, 2001: 3/105.
- 5-Nasiri, 2005: 4/263
- 6- Elgood, 1978: 93-4.
- 7-Shirazi, 1966: 4/144
- 8-Golchin Ma'ani, 1990: 2/992.

مقدمه

گذشته شیراز و حوزه های متعدد علمی آن در گذر تاریخ با نوسانات سیاسی و اجتماعی بسیاری همراه بوده که این عوامل در پیشرفت و عقب ماندگی دارالعلم شیراز در برهه های زمانی گوناگون بسیار مؤثر بوده اند. در این میان دوران حکومت صفویه در ایران از جمله دوره های مهم به شمار می رفته است. با تأسیس این سلسله، از سویی به علت اوضاع و احوال سیاسی، برخوردهای اعتقادی، قویتر شدن حکومت مرکزی و جمع شدن علما و دانشمندان در پایتخت، همچنین اختلافی که بین علمای دارالعلم شیراز و دستگاه صفوی ایجاد می شود، و از طرف دیگر به علت ستیزی که بعضی از کوته نظران درباری نسبت به حکمت، دانش، علوم طبیعی و فلسفه روا می داشتند، حوزه دارالعلم شیراز از جوانب مختلف مورد فشار و بی مهری قرار گرفته و بسیاری از فضلا و دانشمندان شیراز مجبور به جلای وطن شدند.¹ در این میان به علت روحیه آزاد اندیشی و نبود تعصبات افراطی پادشاهان بابر، هند از جمله سرزمین های مورد توجه این علما برای مهاجرت قرار گرفت. این مهم نقطه عطفی در تاریخ شیعه در شمال هند نیز به شمار می رود.² اکثر علما و اطبای به نام هندی در آن عصر، از تعلیم یافتگان دارالعلم و مکتب شیراز بوده اند تا آنجا که بنا به تعبیر ملک الشعراء بهار در دهلی دربار بزرگتری ایجاد شد که باید آن را دربار ثانی ایران نامید.³ در این میان امیر سید فتح الله شیرازی از شاگردان بنام غیاث الدین منصوردشتکی، مکتب دارالعلم شیراز را به خارج از مرزهای ایران در سرزمین شبه قاره هند می برد. در این پژوهش به بررسی زندگی و دستاورد های علمی این دانشمند تربیت یافته در دارالعلم و مکتب پزشکی شیراز در شبه قاره هند می پردازیم.

امیر سید فتح الله شیرازی

امیر سید فتح الله شیرازی فرزند حبیب الله و مشهور به شاه فتح الله کبیر شیرازی، از سادات شیراز و معاصر شاه طهماسب اول صفوی بوده است. از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست. وی از شاگردان سرشناس میرغیاث الدین منصور دشتکی شیرازی است که بعد از او از محضر کمال الدین شروانی، مولانا کرد و علامه جمال الدین محمود شیرازی استفاده کرده و در زمان خود در شاخه های گوناگون حکمت، هیئت، ریاضی، جراثقال، طب و علوم غریبه و دانش های دینی و ادبی از شهرت بسزایی برخوردار گردید.^{4,5}

وی پس از اتمام تحصیلات در شیراز به علت شهرتی که در فضل و دانش خاصه طب پیدا کرده بود، در آغاز به خدمت امامقلی میرزا برادر شاه اسماعیل دوم، درآمد. پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل دوم، این پادشاه صفوی دستور قتل عام تمام کسانی که احتمال می رفت رقیب او در سلطنت باشند از جمله امام قلی میرزا و پنج شاهزاده دیگر را در سال ۹۸۵ را داد. در این شرایط حکیم فتح الله شیرازی از ترس گرفتار شدن به سرنوشت مشابه ولینعمت خود، به هند عزیمت کرده⁶ و به توصیه خواجه محمد دهدار به نزد حاکم دکن، علی عادلشاه بیجاپوری رفت و در ورود به منصب وزارت و قضاوت دست یافت.^{7,8} در این راستا در تاریخ فرشته آمده است: «عادلشاه میلیونها روپیه خلعت و انعام ارسال داشته



حکیم را از شیراز بدکن طلیبد و با اعزاز و اکرام تمام از وی پذیرایی نمود.⁹ پس از کشته شدن علی عادلشاه در سال ۹۸۸ هجری، ابراهیم عادلشاه که غرق در لهو و لعب بوده و بعلت کمی سن مورد بازیچه ی دست وزیران و درباریان قرار می گرفت به جانشینی وی رسید، در این زمان حکیم فتح الله شیرازی مورد غضب قرار گرفته و نفی بلد شد.¹⁰ تا اینکه در سال ۹۹۱ هجری به دستور اکبرشاه گورکانی به فتح پور خوانده شده و در زمره درباریان این سلطان در آمد،¹¹ و به لقب عضدالدوله منصوب گردید. همچنین به مناصبی مانند حکیم، منجم، طبیب، مسئول کل امور مالی مملکت و سرانجام در سال ۹۹۴ هجری قمری به منصب صدارت کل بلاد هندوستان و وکیل شاه (نخست وزیر) که در بعضی دوره ها همه امور را به دست داشت منصوب گردید.^{12,13}

امیر فتح الله با اینکه برخلاف اکبر شاه که تقید به مذهب را نفی کرد، در مذهب تشیع بسی متعصب بوده و در عمل به دستورات آن کوتاهی نمی نمود، لکن به خاطر مقام علمی خود در نزد شاه مقام و احترامی فراوان یافت.^{14,15} وی با ازدواج با دختر کوچک مظفرخان تربتی، باجناق اکبرشاه شده و امیر و حکیم و طبیب و منجم و وکیل وی به شمار آمد. پس از دو سال به امین الملک و عضدالدوله و عضدالملک ملقب گردید و منصب صدارت عظمی یافت و شاه رأی او را در مهمات امور دولتی مطاع می شمرد.^{16,17}

امیر فتح الله با وجود داشتن جاه و مقام و ثروت، انسان بلند مرتبه ای بود، وی برای درس دادن به امیرزادگانی گورکانی، همانند قاصدان، با اسب، سلاح بر شانه می گرفت و در جنگل می تاخت و وقار علمی خود را در نظر نمی گرفت.^{18,19}

وی به امر شاه در سال ۹۹۲ هجری قمری بر اساس زیچ گورکانی به تغییر تاریخ قمری ناقص به شمسی کامل مبادرت ورزید و با وجود مخالفت علما، به این تقویم، آن را تاریخ الهی نامید، این تقویم با سال جلوس اکبرشاه آغاز میشود.^{20,21}

امیر فتح الله در بیست و دوم جمادی الثانی سال ۹۹۷ هجری قمری در کشمیر دچار بیماری طب محرق گردید و بر اثر همین بیماری در گذشت و در خانقاه میر سید علی همدانی به خاک سپرده شد. اما پس از چندی به دستور اکبر شاه، جسد وی را به کوه سلیمان انتقال داده و در مقبره ای که خاص او بنا کرده بودند، دفن نمودند.²² اکبر شاه در مرگ او بسیار متاسف شده و گفت: «او حکیم و طبیب و منجم بود و پیوسته در غم و اندوه ما سهیم و شریک بودند.»^{23,24}

همچنین آمده است که اکبر شاه پس از مرگ وی می گفت «که اگر وی (امیر فتح الله شیرازی) به دست فرنگیان اسیر می شد و برای آزادی او همه در آمد حکومت و خزائن سلطنت مرا می خواستند، می دادم و یقین داشت در این سودا سود فراوان کرده ام.»²⁵

علامه ابوالفضل، وزیر اکبرشاه در مورد وی می نویسد: «اگر کلیه کتب علوم دینی نقلی معدوم و نابود گردد، امیر فتح الله می تواند آنها را دوباره بنویسد». در اقبال نامه آمده: «در زمره علمای متاخرین امیر فتح الله شیرازی و ملایرزا جان در علم و طب تألی و نظیر نداشته اند.»^{26,27}

علامه فیضی شاعر معروف زمان اکبر، در مرگ حکیم فتح الله مرثیه ای دارد که با ابیات زیر شروع می شود:

هرگز نمرده و نمیرد اهل دل حرفی ست نام مرگ بر این قوم ترجمان
بر قد روح پیرهنی بیش نیست تن گیرد چو کهنه گشت، سپهر کهنه ستان
باری ست بر حیات و غباریست بر نشاط پوشیدن لباس کهن بر توانگران
لیکن کریم کیست در این قحط سال جود کو جامه کهنه ناشده بخشد به ناتوان
از این شعر استنباط می شود که امیر فتح الله به سن کهولت نرسیده، و در گذشته
است.²⁸

باز فیضی می گوید:

گرامی امهات فضل را فرزند روحانی ابوالاباء معنی شاه فتح الله شیرازی
گهی با محفل مشائیان کردی زمین گردی گهی با موکب اشرافیان کردی فلک تازی
مباهات از وجود کامل او بود دوران را بدورا جلالدین محمد اکبر غازی
شهنشاه جهان را در وفاتش دیده پر نم شد سکندر اشک حسرت ریخت کافلاطون ز عالم شد²⁹

امیر علاوه بر آشنایی با دانش و حکمت با عرفان و تصوف نیز آشنا بوده است و چون حکیم ابوالفتح گیلانی دانشمند و عارف دیگر ایرانی مقیم دربار اکبر شاه نیز

- 9- Mir, 1984: 64.
- 10- Hasani al Talebi, 1999: 4/392-3
- 11- Sheikh Mofid, 1992: 452-3
- 12- Badaeny, 2001: 2/219.
- 13-Suboot, 2003: 7.
- 14- Badaeny, 2001: 2/220.
- 15-Kakaei, 2008: 112.
- 16-Bdavny, 2001: 2/220.
- 17- Jandpouri, 2011: 196.
- 18- Badaeny, 2001: 2/220.
- 19- Jandpouri, 2011: 197.
- 20- Ibid: 201
- 21- Tehrani, 1983: 24/76.
- 22- Badaeny, 2001: 2/258.
- 23- Mir, 1984: 65.
- 24-Tagore, 1993: 551-2.
- 25-Kakaei, 2008: 113.
- 26- Jandpouri, 2011: 194.
- 27- Mir, 1984: 64.
- 28- Mir, 1989: 2/692.
- 29- Mir, 1984: 65-6.



در همین سال درمی گذرد. فرخی ساوجی ماده تاریخ زیر را برای این دو دانشمند ایرانی سروده به دفتر حوادث می سپارد:

امروز دو علامه ز عالم رفتند رفتند موخر و مقدم رفتند
چون هردو موافقت نمودند بهم تاریخ بشد که «هر دو با هم رفتند»^{32,31,30}
در ضمن امیر فتح الله پس از شاه طاهر از جمله کسانی است که آثار حکیمان متاخر ایران همچون ابن سینا، سهروردی، دوانی و غیاث الدین منصور دشتکی را به هند برد و بی تردید در انتقال حکمت ایرانی و دارالعلم شیراز به هند نقش مهمی داشته است. در حوزه‌های علوم دینی، اهل سنت برنامه خاصی به عنوان درس نظامی موسوم به نظام‌الدین داشته و دارند که این برنامه توسط حکیم فتح الله خان شیرازی طرح گردیده است. برنامه او در حدود سه قرن در تمام حوزه‌های اهل سنت در شبه‌قاره رایج بود.³³ بیشتر کتاب‌های درسی که بر طبق این برنامه در علوم عقلی تدریس می‌شد از آثار مکتب دارالعلم شیراز بوده است. یعنی غالب کتاب‌هایی که برای تدریس ریاضی، هندسه، فلسفه و منطق هیئت مورد استفاده بود و در حقیقت با ورود امیر فتح الله شیرازی به هند کتاب‌های ایرانی و مکتب شیراز بیش از پیش خصوصاً در زمینه‌های علوم عقلی در حوزه‌های علمیه جا افتاد.³⁴ به قول معروف، شجره نسب علمی همه علمای هند بعد از امیر فتح الله در علوم عقلی به او می‌رسد، و ظاهراً با همکاری وی بود که ضوابط دفتر مالیات به گونه ای که در ایران رایج بود، در هند نیز مقرر گردید.

البته این دانشمند بزرگ علاوه بر علوم فلسفی، اختراعات شگفت انگیزی نیز داشت و هندی‌ها اختراعاتی را در صنایع نظامی و غیره به او نسبت می‌دهند، از جمله مصنوعات وی آسیابی بود که خود به خود حرکت می‌کرد و آرد سائیده به دست می‌داد و آیینی ای که از دور و نزدیک اشکال غریبه در آن نمایان می‌گشت، تویی که هر بار دوازده گلوله پیاپی شلیک می‌کرد و بندوقی که به یک گردش، دوازده آواز می‌داد.³⁵

این رباعی از امیر فتح الله شیرازی است:

می از خم معرفت چشیدن مشکل و ز هستی خویشتن بریدن مشکل
تحقیق نکات اهل عرفان آسان اما به حقیقتش رسیدن مشکل^{37,36}

جانندپوری در مورد حسن و خلق متفاوت وی می‌آورد: «فتح الله بی اندازه خوش خلق، متواضع و نیک سیرت بود، این خصوصیات فقط در محافل و مجالس دیده می‌شد. اما در مقام تعلیم و تدریس با شاگردان به سختی رفتار می‌کرد، کلمات نامناسب و فحش و ناسزا بکار می‌برد، به همین جهت طالبان علوم کمتر گرد محضرش می‌گشته‌اند.»^{39,38}

البته این بمعنای نداشتن شاگردان ممتاز نبود، از شاگردان وی سه نفر معروف و مشهورند: میر تقی الدین محمد که از مدرسین مبرز مدارس شیراز بود و ملا رضا همدانی شیرازی که پس از رحلت استاد به هندوستان رفته و به دربار اکبر شاه راه یافت و بالاخره حکیم علی گیلانی که از اطباء مشهور دربار اکبر شاه شد و در تمام علوم به خصوص طب و ریاضی تبحر داشت. این حکیم شرحی بر قانون بوعلی به عربی دارد، همچنین مجربات حکیم علی که شهرت زیادی برخوردار است از تألیفات اوست.⁴⁰

پسر فتح الله شیرازی به نام صالح شیرازی (صالح خان) نیز در طب شهرت داشت و پس از پدر در هند، پزشک مخصوص شاه بود و پس از وی این سمت به پسرش محسن شیرازی رسید.⁴¹ نواده ی او فتح الله بن عبدالله قاضی شیرازی است که در سال ۱۰۹۸ هجری قمری فوت کرد و صاحب کتابهایی چون «سنن الامه» و «البدایع» و نیز «ریاض ابرار فی مناقب الکرار» به فارسی است. وی در زمان شاه سلیمان صفوی مدت زیادی قاضی اصفهان بود.⁴²

از تألیفات حکیم فتح الله شیرازی می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱- «الأسأله السلطانیه، که به فارسی نگاشته شده و جواب سؤالات فلسفی و کلامی است که سلطان نظام شاه بن الحسین در احمدنگر از او کرده است و حدود ۹۹۴ه ق. نگاشته شده است.

۲- حاشیه بر حاشیه قدیم دوانی بر تجرید

۳- حاشیه بر شرح مطالع که در ۹۹۴ هجری نگاشته است.

۴- رساله فی اسم الاجتنس.⁴³

۵- رساله عجایبات، این رساله به فرمان شاه در اکبرنامه درج شده است.

- 30-Tagore, 1993: 552.
31-Golchin Ma'ani, 1990: 2/992.
32- Mir, 1989: 2/692-3.
33-Kakaei, 2008: 113.
34-Suboot, 2003: 7.
35-Golchin Ma'ani, 1990: 2/993.
36-Hedayat, 1937: 391-2.
37-Hoseini Fasaei, 1988: 2/1175
38- Badaeny, 2001: 3/105.
39- Jandpouri, 2011: 201.
40- Mir, 1984: 66.
41- Mir, 1989: 2/692-3.
42-Kakaei, 2008: 113.
43- Ibid.



- ۶- خلاصه المنهج در تفسیر، که به نام تفسیر ملا فتح الله معروف است.
 ۷- منهاج الصادقین، که تفسیر بسیار مفصلی است.
 ۸- ترجمه کلیات قانون ابوعلی سینا که به فارسی که در هندوستان چاپ شده است.
 ۹- تاریخ جدید که قسمتی از تاریخ الهی اکبر شاهی است. تحت نظر شخص شاه و به وسیله حکیم فتح الله تنظیم و تألیف شده است.
 ۱۰- صاحب الذریعه دو کتاب طبقات اکبری و آیین اکبری را نیز از او می دانند.⁴⁴
 ۱۱- تاریخ الفی که مانند دایره المعارف نوشته شده و تنها قسمت سال دوم رحلت رسول اکرم (ص) آن به قلم حکیم است.⁴⁵

بحث و نتیجه گیری

در دوره صفویه بنا به دلایل متعدد بسیاری از ارباب ذوق، کمال و دانش، مهاجرت را بر ماندن در ایران رجحان داده و بیشتر به هندوستان مهاجرت نمودند. از جمله این دلایل سخت گیری های متعصبانه ی دولت و روحانیون دولتی بوده که موجب شد تا گروهی که برای تحمل آزار و تقیه آماده نبودند، از ایران مهاجرت نمایند. از سوی دیگر دولت عثمانی نیز شرایط مشابهی با ایران داشته و و نظیر چنین سخت گیری ها در آنجا نیز از طرف دولت و شیخ اسلام های افراطی سنی اعمال می شده است. بعلاوه دولت عثمانی بعد از آنکه چهل هزار نفر از اتباع خود را به جرم همدستی با قزلباشان صفوی به تشیع متهم ساخته و در یک روز به دیار عدم فرستاد، دیگر ایرانیان ولو سنی جرات نمی کردند به خاک عثمانی قدم گذارند. از سوی دیگر پیش از دوره ی صفویه در شیراز علما و دانشمندان و طیبانی وجود داشتند که باعث رونق حکمت و فلسفه در مکتب شیراز شده بودند. اما با گذشت زمان و قدرت یافتن حکومت صفویه قطب فرهنگی به تدریج از شیراز به اصفهان منتقل شد. همچنین با درهم آمیخته شدن سیاست افراطی در دولت صفوی و میل حکومت به روی آوردن به علمای شیعه خارج از ایران حوزه ی فلسفی و مکتب شیراز رونق خود را از دست داد.

در این میان حکیم فتح الله شیرازی از جمله پزشکان و حکیمان برجسته مکتب شیراز است که در این زمان با مهاجرت به هندوستان تأثیرات فرهنگی و علمی بسیاری در این سرزمین گذاشته و موجب تبادل دانش و فرهنگ میان این دو کشور می گردد. همچنین سمت های بالایی سیاسی وی در هند می تواند از جمله شاخصه های مهم در افزایش نقش این حکیم ایرانی در این تبادلات باشد.

References

- Badaeny AQMSA. [Montakhab al Tavarikh]. Vols. 2 and 3. Corrected by Moulavi AAS. Tehran: Anjoman Asar va Mafakher Farhangi, 2001. [in Persian]
 Bahar MT. *Anthropology or history of Persian prose style evolution*. Vol. 3. Tehran: Zovvar Publication, 1978. [in Persian]
 Elgood CL. *Medicine in Safavid period*. Translated by Javidan M. Tehran: Tehran University Publication, 1978. [in Persian]
 Golchin Ma'ani A. *Indian caravans (in birth and manuscripts of Safavid poets who went to India)*. Vol. 2. Mashhad: Institute and Publication of Astan Quds Razavi, 1990. [in Persian]
 Hasani al-Talebi AFA. [Al Alam beman fi Tarikh al Hend men al Alam al Mpsama (Nezhat al Khavaetr va Behjat al Masame va al navazer)]. Beirut: Dar al Nashr Ibn Hazm, 1999. [In Arabic]
 Hedayat, RGh. [Tazkirat al Mogheghin (Riyaz al Arefin)]. Vol. 2. Tehran: Ketabkhane Mahdieh Tehran, 1937. [in Persian]
 Hoseini Fasaei MH. [Farsnameh Naseri]. Vol. 2. Corrected by Ras-tegar Fasaei M. Tehran: Amir Kabir, 1988. [in Persian]
 Jandpouri SKA. *Medical history of Mongolian dynasty in India*.



Translated by Shahidi SJ. Tehran: Tehran University of Medical Sciences, 2011. [in Persian]

Kakaei Gh. *Ghias al Din Mansur Dashtaki and philosophy and mysticism (Manazil al-saerin va Maghamat al Arefin)*. Vol.1. Tehran: Farhangestan honar Publication, 2008. [in Persian]

Kakaei Gh. *Introduction to Shiraz doctrine: Students of Ghias al Din Mansur Dashtaki Shirazi*. *Journal of Philosophy, Theology and Mysticism, Kheradnameh Sadra*. 1998; 11. [in Persian]

Mir MT. *Pars famous nobles*. Vol. 2. Shiraz: Shiraz University Press. 1989. [in Persian]

Mir MT. *Pars famous physicians*. Shiraz: Shiraz University Press. 1984. [in Persian]

Nasiri MR. *Entrepreneurs (Biography of Iran's cultural nobles from the beginning to the 1300 HJ Shamsi)*. Vol. 4. Tehran: Anjoman Asar va Mafakher Farhangi, 2005. [in Persian]

Sheikh Mofid. [*Tazkere Merat al Fesahe (Biography and Persian poets from the earliest times to the fourteenth century HJ)*]. Corrected by Tavooosi M. Shiraz: Navid Shiraz, 1992. [in Persian]

Shirazi MM. [*Taraegh al Haghaegh*]. Vol. 4. Corrected by Mahjoub MJ. Tehran: Barani Library Publication, 1966. [in Persian]

Suboot A. *Shi'a Muslims in the Subcontinent*. *Journal of Religion Book of the Moon*. June 2003; 68 and 69. [in Persian]

Tagore A. *Akbrnamh the history of Mughal Empire of India*. Corrected by Tabatabaei Majd GR. Tehran: Institute for Cultural Studies, 1972. [in Persian]

Tatavy A, Ghazvini A. [*Tarikh Alfi (millennial history of Islam)*]. Corrected by Tabatabaei Majd GR. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Co, 2003. [in Persian]

Tehrani AB. [*Al-Zareea't al Tasaneef Shia (List of Shia Books)*]. Beirut: n.p. 1983. [In Arabic]

